

«کانون کارشناسان رسمی و مسئله استقلال»

من حیث المجموع استقلال وقتی مطرح میشود که کشوری در سابق آزاد و بی دخالت اجنبی اداره میشده و بعداً زیر سلطه خارجی درآمده باشد. حالا این سلطه گاهی جنبه فیزیکی دارد نظیر سلطه مستقیم انگلیس در هندوستان در قبل از استقلال و گاهی بطور غیرمستقیم مانند کشور ایران در قبل از پیروزی انقلاب که به حسب ظاهر استقلال داشت ولی در باطن زیر سلطه سیاسی و اقتصادی اجانب قرار داشت نظیر موقعیتی که در حال حاضر کشورهای عربستان و کویت و... دارند.

آنچه از کلمه استقلال در کاننون کارشناسان رسمی فهمیده میشود ظاهراً باید معنای اول موردنظر باشد یعنی ضابط امر خویش بودن بی شرکت گیری زیرا در غیراینصورت قبل از تصویب این قانون کانونی وجود نداشته تا مثلاً قوه قضائیه آنرا تحت

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جدید در آبان ماه ۱۳۵۸ قانونی تحت عنوان «لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی» به تصویب شورای انقلاب رسید. حالا چه ضرورتی ایجاب میکرد که شورای انقلاب در بدو انقلاب که مملکت با هزاران معضل داخلی و خارجی درگیر بود باعجله چنین قانونی را تصویب نماید خود بحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند که فعلاً وارد این مقوله نمی‌شویم و بدواً به توضیح مختصری درباره واژه‌های استقلال و کاننون می‌پردازیم.

واژه استقلال در فرهنگ معین چنین معنی شده است ضابط امر خویش بودن بخودی خود و بکاری بر ایستادن بی شرکت گیری و نیز به معنای صاحب اختیاری و آزادی کامل یک کشور (دولت و ملت) در امور سیاسی و اقتصادی بدون اعمال نفوذ خارجی (ظاهراً و باطناً).

سلطه خود درآورده باشد و اینک در موقعیتی مناسب داعیه استقلال مطرح گردد.

اساساً با مذاقه در مواد این لایحه ملاحظه میشود که بیشتر مطالب ملهم از لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری می‌باشد حالاً این سؤال مطرح است که آیا ماهیت وکالت و کارشناسی یکی است؟ درامر وکالت اصحاب دعوی مخیر و آزاد هستند هرکسی را که تمایل دارند انتخاب کنند درحالیکه در کارشناسی چنین آزادی عملی برای طرفین موجود نیست و کارشناس رأساً از طرف دادگاه انتخاب میشود و طرفین اجباراً باید به انتخاب کارشناس گردن نهند و هرگاه اعتراضی به نظریه وی داشتند به دادگاه تقدیم می‌کنند یعنی کارشناسی از ابزار و وسائل حصول به علم و واقع می‌باشد مثلاً کارشناسی چیزی در ردیف تحقیق محلی و معاینه محلی است و گاهی حتی اعتبار بیشتری دارد بعنوان نمونه در مسائلی نظیر جعل و یا موضوعات ثبتی نظر کارشناسان تکلیف پرونده را مشخص و معین می‌کند و یا در تعیین سرقتی و اجاره بها نظریه کارشناسی دستمایه و وسیله مطمئنی برای مراجع قضائی است که بدون اعلام نظر کارشناس معضل لاینحل باقی می‌ماند بنابراین کارشناس نسبت به دادگستری و کلاً مراجع قضائی همان وابستگی را دارد که مثلاً مدیر دفتر یا پرسنل اداری دارند حالاً چگونه می‌توان گزینش چنین افرادی را با این وابستگی شدید به یک شرکت یا

مؤسسه خصوصی خودگردان محول کرد تا آنها هر شخصی را که صلاح دیدند برای قوه قضائیه انتخاب نمایند و اگر قائل به استقلال و عدم وابستگی کارشناسان به دادگستری بشویم پس امرار معاش آنها و اداره زندگیشان بچه وسیله انجام گیرد درست است که تعدادی از نهادها و ادارات دولتی به حسب احتیاج گاهی نیاز به اظهار نظر آقایان کارشناسان رسمی دادگستری پیدا می‌کنند ولی حجم کار ارجاعی آنها به حدی نیست که جوابگوی نیاز کلیه کارشناسان باشد تازه ارجاع امور کارشناسی به کارشناسان رسمی از طرف نهادها و مراجع دولتی بیشتر بلحاظ وابستگی آنان به دادگستری می‌باشد چه درغیراینصورت می‌توانستند با هزینه کمتری به کارشناسان غیررسمی رجوع نمایند اطلاق استقلال کانون کارشناسان رسمی در مصوبه ۱۳۵۸ عنوان مناسبی بنظر نمی‌رسد و اشکالات عدیده‌ای براین عنوان وارد است:

اولاً: همانطور که گفته شد استقلال زمانی مصداق پیدا می‌کند که در گذشته مثلاً کانونی موجود بوده باشد و بعداً تحت پوشش و سیطره ارگان یا نهاد دیگری درآمده و مجدداً به کسب استقلال نایل شود.

ثانیاً: ذکر عنوان کانون بصورت مفرد صحیح نیست زیرا بموجب قانون مذکور در هر استانی که تعداد کارشناسان به حدنصاب سی نفر رسید کانون کارشناسان ایجاد خواهد

اینکه در قدیم هر خانواده دارای آتشدانی
فروزان بود).

بنظر می‌رسد در لایحه مربوط به
کارشناسان رسمی منظور از کلمه کانون معنی
سوم فوق‌الذکر در نظر باشد یعنی مرکز و محل
اصلی امور مربوط به کارشناسان رسمی.

بموجب ماده یک لایحه قانونی مربوط به
استقلال کارشناسان رسمی کانون کارشناسان
رسمی دارای شخصیت حقوقی است که در مقر
هر دادگاه استان تشکیل می‌شود تشکیل کانون
کارشناسان رسمی هر استان منوط براین است
که تعداد کارشناسان رسمی آن استان به سی
نفر برسد و تا وقتی که عده کارشناسان
بحدنصاب مذکور نرسیده کارشناسان رسمی
آن استان تابع مقررات و نظامات کانون
کارشناسان رسمی تهران خواهند بود. کلیه
کارشناسان رسمی محسوب می‌شوند و تابع
مقررات و نظامات کانون می‌باشند.

بطوریکه ملاحظه می‌شود شرط تأسیس
کانون کارشناسان رسمی منوط به رسیدن
تعداد اعضای آن بحدنصاب سی نفر می‌باشد
چنانچه تعداد کارشناسان استانی از سی نفر
کمتر باشند طبق ماده مذکور تابع مقررات و
نظامات کانون کارشناسان رسمی تهران
خواهند بود پس در تعداد سی نفر و کمتر
مشکل خاصی مشاهده نمی‌شود لیکن اگر تعداد
کارشناسان رسمی در یک استان از سی نفر
متجاوز شد و آنها حاضر به تشکیل کانون

شد کما اینکه در حال حاضر در استانهای
اصفهان و آذربایجان شرقی کانون کارشناسان
وجود دارد.

ثالثاً: حذف نام دادگستری در ادامه
عبارت کارشناسان رسمی جای بحث و تأمل
دارد زیرا در مواد متعدد این قانون به عبارت
کارشناس رسمی دادگستری اشاره شده است
که بعنوان نمونه به مواد ۲۴، ۲۳، ۲۷ اشاره
می‌شود بعلاوه تبصره ماده ۱۰ مقرر داشته
«کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون دارای
پروانه کارشناسی معتبر بوده و سلب
صلاحیت از آنان نشده باشد کماکان
کارشناسان رسمی شناخته می‌شوند» یعنی
کارشناسان رسمی دادگستری سابق کماکان
در موقعیت خود باقی می‌مانند علیهذا حذف
دادگستری در عنوان قانون (لایحه قانونی
مربوط به استقلال کارشناسان رسمی)
و جاهتی ندارد و بنظر نگارنده اگر عنوان قانون
(لایحه قانونی مربوط به تشکیل کانونهای
کارشناسان رسمی دادگستری) تعیین می‌شد
مناسبت بود.

تعریف کانون:

برای کانون در فرهنگ معین چهار معنی
ذکر شده است:

- ۱- آتشدان ۲- دوماه از ماههای سریانی
- مشهور به شهر رومی ۲- مرکز محل اصلی
- مانند کانون محبت ۴- باشگاه مانند کانون
- سوارکاران و محل اقامت خانواده (به مناسبت

زیرا شرکت کارشناسان رسمی مازندران را مؤثر در سرنوشت انتخاب دانسته و دعوت آنها را مخالف با ماده یک لایحه مذکور تلقی می‌کردند حالا در چنین اوضاع و احوالی چه مقام و مرجعی باید به سرنوشت انتخابات رسیدگی کند معلوم نیست زیرا در لایحه چنین پیش‌بینی بعمل نیامده است اگر بگوئیم اداره فنی صالح برسیدگی است مجوز دخالت آن با اصل استقلال کانون کارشناسان منافات دارد و اگر بگوئیم با توجه به اصل استقلال کانون قوه قضائیه صلاحیت دخالت در امور آنرا و منجمله در امر انتخاب ندارد حاصلی جز هرج و مرج بیار نخواهد آمد.

گذشت ایام و سیر جریان امور نشان داده است که کانون کارشناسان رسمی دادگستری تهران هر زمان که مصلحت ایجاب کرده خود را وابسته به دادگستری معرفی نموده است مثلاً تا اواخر سال ۱۳۷۲ از ساختمان آن واقع در خیابان فرصت استفاده کرده است و یا در زمینی که جهت احداث ساختمان کانون در خیابان ظفر تدارک دیده با حروف بسیار درشت در تابلویی نام قوه قضائیه را ذکر نموده تا از خطرات تجاوزات احتمالی افراد یا ارگانها در آتیه مصون بماند لیکن هرگاه پای کزینش کارشناس یا تعقیب انتظامی کارشناسی در بین بوده مسئله استقلال و عدم دخالت قوه قضائیه مطرح شده است و معلوم نیست که فرضاً اگر در فلان منطقه محروم جلسات دادرسی بعلت

کارشناسان رسمی نشدند تکلیف چیست زیرا چون تعداد کارشناسان استان از سی نفر بیشتر است لذا با صراحت ماده یک نمی‌توانند تابع کانون کارشناسان رسمی تهران باشند و چون خود نیز حاضر به تشکیل کانون و قبول مخارج و زحمات ناشی از آن نیستند پس امور آنها چگونه باید اداره شود مثلاً پروانه کارشناسی را چه مقامی باید تمدید کند و یا اگر کارشناسی در آن استان مرتکب تخلف شد چه مرجعی باید رسیدگی کند زیرا اداره فنی قوه قضائیه با لایحه اخیر صلاحیت رسیدگی به امور کارشناسان و تمدید پروانه را ندارد و رسیدگی به تخلفات کارشناسان مستلزم تشکیل دادرسی انتظامی در آن استان است که با عدم تشکیل کانون طبیعتاً چنین نهادی نیز وجود نخواهد داشت.

چنین وضعیتی در حال حاضر در استان مازندران موجود است البته کانون کارشناسان رسمی تهران با توجه به عدم تشکیل کانون در استان مازندران آنها را تحت پوشش خود گرفته است لیکن اینکه اقدام مذکور وجهه قانونی دارد یا خیر جای بحث و تأمل است.

در آخرین انتخابات جهت تعیین هیئت مدیره و بازرس و... در تهران کانون کارشناسان تهران ظاهراً از کارشناسان رسمی مازندران نیز دعوت بعمل آورد لیکن این اقدام مورد اعتراض تعدادی که خود را کاندید برای عضویت در هیئت مدیره کرده بودند واقع شد

عدم حضور یا عدم وجود کارشناسان تجدید شود که نظایر آن فراوان است قوه قضائیه چه واکنشی باید ابراز کند.

نگارنده در مدتی که بعنوان سرپرست اداره فنی قوه قضائیه انجام وظیفه نمودم بخاطر دارم کانون کارشناسان رسمی اصفهان جهت صدور پروانه کارشناسی شخصی نظر اداره فنی را استعلام کرده بود پاسخ داده شد که با تصویب لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی در سال ۱۳۵۸ اداره فنی فارغ از اعلام نظر و دخالت می‌باشد. کانون کارشناسان اصفهان مجدداً میادرت به مکاتبه نموده و مصراً درخواست اعلام نظر و ارشاد داشت و در پایان نامه اضافه کرده بود که ما بدون رهنمود و ارشاد آن مرجع قادر به انجام وظیفه نیستم. چنین وضعیتی در کانون کارشناسان تبریز نیز وجود داشت که قطعاً مدارک آن در اداره فنی قوه قضائیه موجود است.

با چنین وضعیت و اوضاع و احوالی مرتباً از دادگستریهای استانی مختلف شکایاتی به اداره فنی واصل می‌گردید و از کمبود کارشناسان در رشته‌های مختلف و یا از عدم رسیدگی به تخلفات آنان گلایه میشد که بنا بسته بودن دست اداره فنی طبعاً این شکایات و گلایه‌ها راه بجائی نمی‌برد تا جائیکه نگارنده بخاطر دارد بیشترین مکاتبات مربوط به استانهای کردستان و زنجان و مازندران بود.

تاریخچه مختصر کارشناسی رسمی
در کتاب آئین دادرسی مدنی دکتر متین دفتری شمه‌ای از جریان ایجاد کارشناسی رسمی در جوار محاکم و مراجع قضائی را شرح داده است اصولاً هرگاه برای قطع و فصل دعوی تشخیص امری لازم بشود که محتاج به اعمال نظر فنی است یعنی اطلاعات مخصوص در فن معینی لازم دارد تشخیص امر را به اشخاصی رجوع میکند که اهل آن فن باشند این اشخاص را اهل خبره و مصدق و به اصطلاح جدید کارشناس مینامند.

بنوشته نگارنده کتاب یاد شده قوانین محاکماتی ما سابقاً فقط وارد در آئین جلب نظر کارشناس بوسیله دادگاهها گردیده در قسمت صلاحیت کارشناسان به اجمال برگزار کرده حقوق و حدود کارشناسان و مسئولیت این عامل را که در جریان دادرسی بسیار مؤثر است مسکوت گذاشته بود نتیجه این بود که در عمل دعاوی که بکارشناس رجوع میشد مخصوصاً در مواردیکه متعدد باشند بطول میانجامید در مواردیکه طرفین دعوی در انتخاب کارشناس تراضی نمی‌کردند و دادگاه میبایستی متوسل به قرعه بشود معلوم نبود که دادگاه بین چه اشخاصی باید استقراع کند بهمین جهت در عمل قرعه مفاسدی پیش میامد و بیطرفی کامل رعایت نمیشد و از طرف دیگر وقتیکه کارشناسان با قرعه یا بتراضی انتخاب میشدند اغلب بدفع الوقت میگذراندند و کار را ماهها بلکه

داشت که علاوه بر کارهای داخلی آن وزارتخانه ترجمه مصدق اسناد مردم را هم تهیه میکرد.

در سال ۱۳۱۷ نویت به سایر کارشناسان رسید و قانون مصوب ۲۳ بهمن ماه در آن سال حقوق و حدود آنها را معلوم کرد. این قانون تا اندازه که راجع به مترجمین رسمی که قابل اعمال باشد درباره آنها نیز اجراء میشود.

شرایط تعیین کارشناس رسمی به موجب قانون اخیر:

ماده ۱۰ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مقرر کرده است (باشخاص زیر حسب نیاز و اعلام وزارت دادگستری از طرف کانون پروانه کارشناسی داده میشود).

و در ادامه ماده شرایط کارشناسی درج شده است.

بطوریکه ملاحظه میشود صدور پروانه کارشناسی و اخذ امتحان و تعیین کارشناس رسمی از طرف کانون منوط به اعلام نیاز از طرف وزارت دادگستری است.^(۱)

یعنی در روال عادی در بدو امر دادگستریها استان و شهرستانها نیاز خود را در رشته‌های مختلف کارشناسی به اداره فنی قوه قضائیه اعلام میدارند و اداره فنی با کسب اجازه از معاونت قضائی قوه قضائیه مراتب را

سألها معطل میگذارند مسئولیتی هم برای خود نمی‌دیدند و احياناً از خلف امانت و حق‌کشی هم باك نداشتند همین قبیل عناصر که موجب تطویل محاکمات و تضییع حقوق مردم را فراهم میکردند باز در دعاوی دیگر بسمت کارشناس انتخاب میشدند يك مقامی نبود که سابقه این عناصر را حفظ کند و دست آنها را مداخله در دعاوی مردم کوتاه نماید و آنان را کنار بگذارد و برعکس کارشناسان خوش سابقه و درستکار را تشویق بنماید به بسیاری از شکایات راجع به تأخیر در احقاق حق یا تضییع حقوق که رسیدگی میشد چنین بدست میامد که منشا فساد کارشناس است.

با این ملاحظات وقتی ما در سال ۱۳۱۵ موفق شدیم در سازمان دادگستری تجدیدنظری بکنیم و اداره فنی را در وزارت دادگستری تأسیس کردیم جزء وظائف آن برای اولین دفعه تنظیم امور مترجمین و سایر اهل خیره و مصدقین را گنجاندیم.

نظر ما این بود که این طبقه را هم مانند وکلا و سردفتران در ردیف وابستگان دادگستری بیاوریم حقوق و حدود آنها را بموجب قانون معین کنیم تا صاحبان دعاوی از تجاوزات و سهل‌انگاریهای آنان ایمن باشند.

ابتدا به مترجمین پرداختیم از دیر زمان يك دارالترجمه در وزارت امور خارجه وجود

(۱) - در حال حاضر چون اختیار وزیر دادگستری به مقام ریاست قوه قضائیه منتقل شده است معاونت محترم قضائی مراتب نیاز به کارشناس در يك حوزه را به کانون کارشناسان اعلام می‌کند.

مثلاً در رشته برق و تأسیسات ساختمان بدیهی است که نظر يك مهندس با سواد مرجع برعقیده يك معمار یا الکتریکی است لیکن در رشته خط‌شناسی و مکانیکی اتومبیل و حتی کشاورزی شاید تجربه و سابقه کار اعتبار و ارزش والاتری دارد علاوه برآن در تبصره ماده ۱۰ چنین آمده است:

تبصره - کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون دارای پروانه کارشناسی معتبر بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده باشد کماکان کارشناس رسمی شناخته میشوند.

یعنی اگر قبل از تصویب این قانون کسی دارای پروانه کارشناسی با مدرک پائین‌تر از لیسانس باشد کماکان کارشناس رسمی باقی خواهد ماند.

مورد سؤال اینکه چه فرقی بین کارشناس رسمی قبل از تصویب قانون با کارشناس رسمی بعد از تصویب قانون وجود دارد که اولی بدون مدرک لیسانس بکار کارشناسی اشتغال داشته باشد و دومی محروم از این امکان باشد در حال حاضر در بسیاری از نقاط کشور علی‌الخصوص در نقاط محروم افراد قابل و خیره وجود دارند که در رشته‌های مختلف کارشناسی از قبیل کشاورزی - خط - تعیین نفقه - تصادفات و امور مکانیکی و غیره بحدازم خبرویت و مهارت و تبحر دارند لیکن با نداشتن مدرک لازم از جهت دریافت پروانه کارشناسی با مشکل

بکانون کارشناسان رسمی مربوط اعلام می‌نماید تا نسبت به تعیین کارشناس در رشته‌های مورد نیاز اقدام نماید.

حالا بحث در اینجاست که اگر کانون کارشناسان نسبت به تعیین و انتخاب کارشناس در رشته‌های مورد نیاز اقدام نکرد قوه قضائیه چه اقدامی علیه کانون می‌تواند انجام دهد و او را ملزم به انتخاب کارشناس کند. متأسفانه با مذاقه و توجه به مصوبه ۱۳۵۸ قوه قضائیه هیچگونه اهرم و وسیله‌ای جهت تعقیب و در فشار گذاشتن کانون ندارد.

نکته حائز اهمیتی هم که در ماده ۱۰ این لایحه در خصوص شرایط کارشناس رسمی قید شده است بند الف ماده مذکور می‌باشد.

بموجب بند الف (کسانی که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر در رشته مورد درخواست بوده و دارای پنج سال سابقه کار در رشته مزبور در ادارات دولتی یا شرکتهای معتبر خصوصی باشند و دوره کارآموزی را با موفقیت به پایان رسانیده باشند).

البته کسی منکر این مطلب نیست که اگر کارشناسان رسمی از بین افراد تحصیلکرده و باسواد انتخاب شوند جریان امور و پیشرفت کار بهتر خواهد بود علاوه اصحاب دعوی نیز قلباً رضایت بیشتری خواهند داشت دراینکه به مسائل آنها افراد باسواد و با فرهنگ رسیدگی کرده‌اند لیکن برخی رشته‌ها هستند که احتمالاً سواد و تحصیلات کاربرد چندانی در آنها ندارد

و چنانچه دادگاه انتظامی کانون قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع و رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید).

متن ماده ۱۶ نیز چنین است:

(مرجع رسیدگی به تقاضای تعقیب کارشناسان رسمی دادگاه انتظامی کارشناسان رسمی است. دادگاه مذکور مرکب از سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل خواهد بود که از بین کارشناسان رسمی در مجمع عمومی عادی برای مدت چهارسال انتخاب میشوند. احکام دادگاه انتظامی بجز در مورد محرومیت‌های موقت و دائم از کارشناسی قطعی است در مورد مجازات‌های محرومیت موقت یا دائم محکوم‌علیه می‌تواند پس از ابلاغ ظرف ده روز با رعایت مسافت (طبق قانون آئین دادرسی مدنی) تقاضای تجدیدنظر نماید مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است).

بطوریکه ملاحظه میشود کلیه اعضاء داسرا و دادگاه انتظامی کارشناسان رسمی از بین کارشناسان رسمی تعیین میشوند و دراموری اقدام و مبادرت بصدر رأی میکنند که ماهیتاً امور قضائی تلقی میشوند.

ماده ۸ آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی مصوب خرداد سال ۱۳۶۰ شورای عالی قضائی و اصلاحیه بعدی (مصوب ۱۳۶۲ شورای عالی قضائی) درجات مجازات‌های انتظامی را بقرار زیر تعیین کرده است:

۱- توبیخ یا درج پرونده.

مواجه هستند و چه بسا که بیشتر از این اشخاص دیپلم یا فوق‌دیپلم داشته باشند که اگر آنها بکار گرفته شوند قطعاً از مشکلات دادگستریهای شهرستان و بخشهای مستقل مخصوصاً در نقاط محروم از حیث تعیین کارشناس رسمی دادگستری به اندازه قابل ملاحظه‌ای کاسته خواهد شد.

مختصری درباره داسرا و دادگاه

انتظامی کارشناسان:

درخصوص ترکیب و تعداد اعضاء دادیارها و دادستان انتظامی و رئیس و اعضاء محکمه انتظامی کارشناسان مواد ۱۵، ۱۶ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی تعیین تکلیف کرده است بموجب ماده ۱۵ (داسرای انتظامی کارشناسان رسمی مرجع رسیدگی به تخلفات آنان می‌باشد و دادستان داسرای انتظامی از بین کارشناسان رسمی بوسیله مجمع عمومی عادی برای مدت چهار سال انتخاب خواهد شد و دادیاران داسرای انتظامی با پیشنهاد دادستان و تصویب هیئت مدیره به تعداد لازم تعیین میشوند داسرای انتظامی کارشناسان رسمی پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتیکه عقیده به تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر میکند و در غیر اینصورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب ظرف ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت از طرف شاکی یا رئیس هیئت مدیره کانون قابل اعتراض در دادگاه انتظامی کارشناسان میباشد

مورخ ۷۲/۹/۱۱ شورای محترم نگهبانی قانون اساسی «چون بازپرس حق حکم ندارد و توقیف در واقع منع مالک از تصرف در اموال او است لذا شرعاً جایز نمی‌باشد» بازپرس از اختیاری که مواد ۶۸ و ۶۸ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری در صدور قرار توقیف اموال حکم بوی داده است محروم می‌ماند بجهت اینکه بازپرس حاکم نیست و حق حکم ندارد «چه بسا که این بازپرس‌های محترم قبلاً رئیس محکمه و حاکم هم بوده‌اند و در اثر تغییر محل خدمت ابلاغ قضائی آنها تبدیل به دادیار و بازپرس و دادستان شده است.» پس چگونه به افرادی که مطلقاً دارای ابلاغ قضائی نیستند این اجازه داده میشود که حکم جنحه‌ای و خلافی و یا انتظامی درباره اشخاص صادر کنند آیا این خلاف شرع مقدس نیست؟

درباره تعرفه کارشناسی (۱)

میزان دستمزد کارشناسی در ماده ۱۹ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مشخص و معین شده است بموجب ماده ۱۹ «میزان دستمزد کارشناسی رسمی طبق تعرفه‌ای است که به پیشنهاد کانون به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید و درقبال اشخاص حقیقی و حقوقی این تعرفه معتبر خواهد بود این تعرفه هر ۵ سال یکبار قابل تجدیدنظر خواهد بود.»

۲- محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی از سه ماه تا یکسال.

۳- محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی از یکسال تا سه سال.

۴- محرومیت دائم از شغل کارشناسی. در حال حاضر به تخلفات کارشناسان با عنایت به چهار مورد فوق رسیدگی و تعیین مجازات میکنند بطوریکه میدانیم محرومیت موقت و یا محرومیت دائم از شغل کارشناسی رسمی در واقع محرومیت از حقوق اجتماعی است (بموجب بند ۷ تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی) و بموجب تبصره یک ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی «مجازات‌ها و اقدامات مذکور ممکن است بموجب قانون مستقلاً نیز مورد حکم واقع شود در اینصورت از درجه جنحه محسوب است.»

در واقع محرومیت موقت و یا دائمی از شغل کارشناس رسمی یک مجازات جنحه‌ای تلقی میشود. در زمان فعلی که با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ عقیده به عدم مداخله قضات تحقیق مانند دادیار و بازپرس و دادستان در مسائل مربوط به محاکم بوده و قضات تحقیق بدون اذن حاکم محکمه حتی اختیار تحقیق از متهم را ندارند و یا حتی قبل از تصویب قانون اخیرالذکر بموجب نظریه ۴۹۷۶

(۱)- توضیح: در زمان نگارش این مقاله «اصلاحیه و متمم تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۷۲/۷/۲۷ ریاست قوه قضائیه» مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱۷ به تصویب نرسیده بود در اصلاحیه اخیر مراجع قضائی را موظف به رعایت تعرفه کرده‌اند که این امر مخالف با ماده ۴۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی می‌باشد.

انقضای این مدت با توجه به تورم و افزایش و نقصان هزینه زندگی تعرفه جدیدی تعیین گردد لیکن از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ نسبت به تعیین تعرفه کارشناسی جدید اقدامی نشد.

ماده ۲ تعرفه دستمزد کارشناسی رسمی دادگستری مصوب شورایی عالی (۱۳۶۲) ظاهراً بدون توجه به ماده ۱۹ لایحه استقلال قانون کارشناسان رسمی و ماده ۴۵۸ آئین دادرسی مدنی تصویب شده بود و با مواد قانونی مذکور مغایرت داشت بموجب ماده ۲ «در مواردیکه از طرف مراجع قضائی یا سازمانهای دولتی یا اشخاص حقیقی و حقوقی جهت انجام هرگونه عمل کارشناسی دعوت بعمل آید دستمزد انجام کارشناسی براساس مقررات این تعرفه پرداخت میشود».

همانگونه که شرح دادیم مراجع قضائی ملزم به رعایت تعرفه نیستند در مصوبه مربوط به تعرفه دستمزد کارشناسی موضوع ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال قانون کارشناسان رسمی که در سال ۱۳۷۲ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسید به این نکته توجه و عنایت کافی مبذول شد بموجب ماده ۲ تعرفه اخیرالتصویب «محاکم و سایر مراجع قضائی دستمزد کارشناسی را با رعایت کمیت و کیفیت و ارزش کار طبق ضوابط قانونی تعیین می نمایند و در صورت اقتضا ضوابط تعرفه می تواند بعنوان ملاک محاسبه آنان مورد استفاده قرار گیرد».

بطوریکه از متن ماده مستفاد میشود اعتبار تعرفه فقط مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی است و محاکم ملزم به رعایت این تعرفه نیستند در خصوص تعیین دستمزد کارشناسی ماده ۴۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر میدارد «دادگاه حق الزحمه کارشناسی را با رعایت کمیت و کیفیت و ارزش کار تعیین میکند و حق کارشناس باید قبل از تعیین وقت برای اجرای قرار کارشناسی به صندوق سپرده شود هرگاه بعد از اظهار نظر کارشناس معلوم گردد که حق الزحمه معین متناسب با ارزش کار انجام شده توسط کارشناس نبوده است دادگاه می تواند مقدار حق الزحمه را بطور قطع تعیین کند و دستور وصول آنرا به اجرا بدهد. حق الزحمه کارشناس مرضی الطرفین را در صورتی دادگاه تعیین می کند که طرفین با کارشناس در تعیین آن تراضی نکرده باشد».

بنابراین با عنایت به مفاد ماده ۱۹ لایحه قانون مربوط به استقلال کارشناسان رسمی و باتوجه به متن ماده ۴۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه تکلیف دارد با عنایت به نوع پرونده و پیچیدگی موضوع کم و کیف و قضیه دستمزد متناسب جهت کارشناس تعیین کند و ملزم به رعایت تعرفه نیست چه بسا باتوجه به ارزش کار میزان دستمزد تعیین شده از طرف دادگاه بیشتر از مبلغ مقرر در تعرفه باشد.

همانطور که در ماده ۱۹ مشاهده کردیم مدت تعرفه پنج سال میباشد و بایستی پس از

تخصص دارند مثلاً مترجمی که آشنا به مسائل حقوقی است نمی‌تواند بخوبی از عهده ترجمه نوشتجاتی برآید که مربوط به امور ساختمانی و مهندسی است از طرف دیگر هرگاه مترجمین وزارت دادگستری در ترجمه اسناد مرتکب خطایا تقلبی میشوند تکلیف مسئولیت آن معلوم نبود.

برای رفع این مشکلات در سال ۱۳۱۶ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر تصویب گردید و طبقه‌ای بنام مترجمین رسمی تأسیس شد.

مترجمین رسمی را همه ساله در تهران اداره فنی وزارت دادگستری و در سایر شهرستانها دادرها از اشخاص که داوطلب مترجمی باشند بوسیله امتحان در هیئت ممیزه تعیین می‌نماید و پس از آنکه صلاحیت هر یک از داوطلب‌ها برای ترجمه در رشته‌ای محرز گردید پروانه مترجمی همان رشته از وزارت دادگستری صادر و باو داده میشود.

بموجب ماده ۳۰ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ «این قانون تا اندازه‌ای که راجع به مترجمین رسمی قابل اعمال است درمورد آنها لازم‌الرعايه خواهد بود». در لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی ۱۳۵۸ ماده ۲۷ این قانون درخصوص مترجمین رسمی مقرر داشته است.

مترجمین رسمی زبانهای مختلف از تاریخی که وزارت دادگستری اعلام میکند در عدد

بطوریکه ملاحظه میشود این ماده با ضوابط مقرر در آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۹ قانون استقلال کانون کارشناسان هماهنگی و انطباق کامل دارد و ضوابط تعریفه در نزد محاکم و مراجع قضائی صرفاً بعنوان ملاک محاسبه مطرح می‌باشد و تکلیفی به مراجع مذکور نمی‌نماید.

درباره مترجمین رسمی:

مترجمین رسمی نسبت به کارشناسی رسمی قدمت بیشتری دارند بنوشته کتاب آیین دادرسی مدنی و بازرگانی بعد از الغا کاپیتولاسیون و انحلال اداره محاکمات خارجه و کارگزاریها و بوجود آمدن سازمان جدید دادگستری دارالترجمه وزارت امور خارجه از قبول مراجعات مردم خودداری کرد حق هم داشت زیرا از یکطرف مراجعات زیاد شده بود و از طرف دیگر متوجه این نکته شده بودند که تصدیق ترجمه بعضی اسناد محظورات سیاسی دارد و در یکی از دوایر تابعه وزارت امور خارجه مقتضی نبود این امر را محول به دارالترجمه وزارت دادگستری (یکی از دوائر اداره تهیه قوانین وقت) نمودند دارالترجمه دادگستری برای حوائج اداری مانند ترجمه قوانین و متون حقوقی خارجی و ترجمه اظهارات متهمین اتباع بیگانه در دادگاههای مرکز تأسیس شده بود.

برای دو سه زبان بیشتر مترجم وجود نداشت و بعلاوه مترجمین هرکدام در يك رشته

این نکته هم قابل تعمق و بحث می‌باشد که چطور عده‌ای از کارشناسان رسمی وابسته به کانون کارشناسان هستند و عده‌ای دیگر با عنوان مترجمین رسمی که در عداد کارشناسان هستند تحت پوشش قوه قضائیه قرار دارند. با عنایت به مطالبی که بیان گردید راه حل مناسب برای رفع نارسائیه‌ها این است که در لایحه قانونی استقلال کانون کارشناسان رسمی اصلاحاتی بعمل آید تا ضمن حفظ موجودیت کانون کارشناسان و الحاق مترجمین رسمی به آن قوه قضائیه نیز مستقیماً در گزینش و صدور پروانه و تعقیب انتظامی و سایر امور مربوط به کارشناسان و مترجمین دخالت و نظارت داشته باشد.

کارشناسان رسمی محسوب و عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری خواهند بود. بطوریکه ملاحظه میشود ماده ۲۷ این لایحه مترجمین رسمی را در عداد کارشناسان رسمی قرار داده است لیکن پیوستن این گروه به کانون موکول به اجازه وزارت دادگستری (در حال حاضر اجازه ریاست محترم قوه قضائیه) است از تاریخ تصویب این لایحه یعنی سال ۱۳۵۸ تاکنون قوه قضائیه چنین اجازه‌ای را صادر نکرده است و مترجمین رسمی تحت نظارت و پوشش قوه قضائیه و اداره فنی قرار دارند و کلیه امور آنها از قبیل گزینش - امتحان تعقیب انتظامی و صدور پروانه و... بوسیله اداره فنی قوه قضائیه مطابق آئین‌نامه مترجمان رسمی انجام میگردد.